



تدوین الگوی توسعه روابط بین الملل از طریق ورزش

فهیمه محمدحسن^۱

حبیب هنری^۲

ابوالفضل فراهانی^۳

علی محمد صفانیا^۴

محسن باقریان فرح آبادی^۵

 110.22034/SSYS.2022.1643.2160

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶

پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل توسعه روابط بین الملل از طریق ورزش انجام شده است. روش پژوهش، کیفی و از نوع اکتشافی می باشد. جامعه آماری پژوهش را رؤسای فدراسیون‌های المپیک، سیاست‌مداران و صاحب‌نظران و خبرگان علمی که در امور بین الملل فعالیت داشتند، تشکیل می‌دادند. جهت نمونه‌گیری برای انجام مصاحبه‌های عمیق از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده گردید و نمونه‌گیری تا جایی تداوم یافت که پژوهش به اشباع نظری و کفایت رسید (۱۹ نفر). سؤال‌های این مصاحبه به صورت باز و کلی و بر مبنای اهداف پژوهش تعیین شده است. در این پژوهش برای اندازه‌گیری روایی و پایایی ابزار پژوهش از معیارهای «گوبا» و «لینکلن» استفاده شد که ابزار اندازه‌گیری مصاحبه باز و بر مبنای سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل

۱- دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استاد، مدیریت ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Honari_h@yahoo.com

۳- استاد، مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، ایران

۴- استاد، مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۵- استادیار، مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

گردید.

نتایج نشان داد که تعداد مفهوم های مستخرج برابر با ۱۰۹ کد بود که در زیرمجموعه ۱۸ مؤلفه قرار گرفتند و در نهایت زیرشاخه های مدل داده بنیاد را با رویکرد استراوس و کوربین تشکیل دادند. می توان گفت که عوامل شناسایی شده در این پژوهش می تواند به عنوان نقشه راه، یاری رسان مدیران اجرایی کشور در همدلی و نزدیکی به جریان جهانی شدن با استفاده از قابلیت های ورزش برای کمک به توسعه روابط بین الملل باشد.

واژگان کلیدی: توسعه روابط بین الملل، دیپلماسی ورزشی و نظریه داده بنیاد.



مقدمه

ورزش در صده اخیر حضور چشمگیری در تبادلات دیپلماتیک بین دولت - ملت‌ها داشته و به یکی از حوزه‌های همکاری و منازعه میان دولت‌ها تبدیل شده است (شا، ۲۰۱۹). دموکراتیزاسیون، سیاست را به حوزه‌هایی وارد ساخته است که پیشتر سیاسی دانسته نمی‌شدند و یا اینکه رنگ و بویی سیاسی نداشتند. ورزش از جمله مهم‌ترین این حوزه‌های جدید است که سیاست‌مداران، متأثر از رواج ارزش‌های دموکراتیک و توجه مردمی بدان حداقل طی یک قرن گذشته کوشیده‌اند آن را به استخدام خود درآورند. این امر باعث شده است میدان‌های کنش مشترکی میان سیاست و ورزش شکل گیرند (خبیری و فتاحی‌زاده، ۱۳۹۸). ورزش با تعاریف و تعابیر متفاوتی همچون ورزش و فرهنگ، ورزش و سلامت، ورزش و اقتصاد و غیره همراه است. در طول قرن اخیر ورزش گذشته از اهداف فرهنگی، اقتصادی و حوزه سلامت به یکی از ابزارهای مؤثر دولت‌مردان برای ایفای نقش‌های سیاسی تبدیل شده است (مقصودی، ۱۳۹۳). بیشتر دولت‌ها برای نیل به دو هدف است که در نهادها و رخدادهای بین‌المللی ورزشی مشارکت می‌کنند: استفاده از ورزش برای بهبود تصویر بین‌المللی خود و بهبود روابط با سایر دولت‌ها. افزون بر این، برخی دولت‌ها می‌کوشند از ورزش به عنوان شیوه‌ای برای پذیرش در جامعه جهانی استفاده کنند (مرکل^۱، ۲۰۰۸). به همین خاطر در عصر کنونی وجوه سیاسی و فرهنگی ورزش به صورت گسترده‌ای به رسمیت شناخته شده‌اند و ورزش بین‌المللی جزئی جدایی‌ناپذیر از پوشش‌های روابط میان ملت‌هاست. این تحول در ماهیت ورزش و توسعه دامنه جغرافیایی آن بخشی از تحولاتی است که طی قرن گذشته در حوزه روابط بین‌الملل اتفاق افتاده است (خبیری و فتاحی‌زاده، ۱۳۹۸).

در روابط بین‌الملل معاصر، ورزش یکی از حوزه‌های موضوعی بسیار رایج و گسترده بوده است. از اواخر قرن نوزدهم میلادی، دو روند همزمان افزایش روزافزون تعاملات بین‌المللی و بین‌المللی شدن ورزش در جریان بوده‌اند (ا شریسک و همکاران، ۲۰۱۷). به رغم توجه امروری دانش سیاست و به تبع آن، زیرحوزه دانش روابط بین‌الملل به بسیاری از حوزه‌هایی که پیش‌تر در این دو دانش چندان اهمیتی بدان‌ها داده نمی‌شد، حوزه ورزش سیاسی همچنان در حاشیه این دو دانش به سر می‌برد و عنایتی جدی به آن معطوف نشده است (خبیری و فتاحی‌زاده، ۱۳۹۸). با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری ورزش بر جوامع انسانی و افزایش علاقه مردم به رقابت‌های جذاب و حساس ورزشی در جهان و نفوذ متولیان، کارگزاران و ارکان ورزش بر اذهان و افکار انسان‌ها، انتظارات از محققین روابط بین‌الملل برای توجه بیشتر به کارکردهای ورزش در روابط بین‌الملل در سطوح افزایش می‌یابد. ولی واقعیت این است که هنوز به‌طور مطلوبی به ورزش و پوشش‌های مرتبط با آن در روابط بین‌الملل توجه نشده است و این مفروض در همین‌جا قابل طرح است که نوعی غفلت در زمینه پژوهش و مطالعه درباره ارتباط ورزش و روابط بین‌الملل وجود دارد (زرگر، ۱۳۹۴). چهار دلیل وجود دارد که نشان می‌دهد چرا دانش پژوهان باید به بررسی روابط بین‌الملل در ورزش بپردازند. اول اینکه ورزش در جامعه جهانی یک عنصر بسیار مهم و از ملاحظه‌های بسیار اصلی و حائز اهمیت برای کسانی است که معتقدند روابط بین‌الملل باید با سیاست‌های بین

1. CHA
2. Merkel
3. SHrisk et al.

دولتی سر و کار داشته باشد (فلیپه و همکاران^۱، ۲۰۱۸). دوم اینکه روابط جهانی ورزش به عنوان بخشی از محیط سیاسی بین کشوری آنارشیستی، احتمالات بر روی رفتار در آن نظام تأثیر می‌گذارد. سوم اینکه ورزش به روش‌های مختلف و در درجات گوناگون، عنصری در اکثر سیاست‌های خارجی و داخلی دولت می‌باشد. همچنین دولت‌ها معمولاً معتقدند که ورزش آنقدر حائز اهمیت است که نباید آن را نادیده گرفت و چهارم اینکه ورزش از طریق یک شبکه حقیقی از سازمان‌های بین‌المللی خصوصی اجرا می‌شود که به عنوان بخشی از مطالعه کلی سازمان‌های بین‌المللی و بین‌کشوری، نیاز به تحقیق و بررسی دارد (هادیان و احدی، ۱۳۸۸). از نگاه دیگر توسعه و رشد ورزش کشور نیز مد نظر است. آیا ابزار سیاست و روابط بین الملل می‌تواند به رشد ورزش کمک کند؟ و چگونه؟ لذا رویکرد دوم مطرح می‌شود؛ یعنی استفاده ورزش از سازوکارهای سیاسی. در این رویکرد مسیر برعکس می‌شود، ورزش با استفاده از دستگاه دیپلماتیک به توسعه و رشد خود می‌پردازد (آدسینا^۲، ۲۰۲۰). هرچند که طبق فلسفه ورزش در دنیا، ورزش دور از سیاست است، اما باید باور داشت که چنین فلسفه‌ای امروز بر ورزش دنیا حاکم نیست. نگاه به اعضا هیئت رئیسه فدراسیون‌های بین‌المللی، کمیته بین‌المللی المپیک و پارالمپیک و دیگر مجامع بین‌المللی ورزشی نشان از ادعای فوق‌است. کشورهایی که با صاحبان قدرت ارتباط بیشتری دارند، کرسی‌های بیشتری هم در اختیار دارند و نیز در کسب رویدادهای ورزشی بسیار قوی هستند. لذا موضوع روابط بین الملل بحث بسیار مهمی در حوزه ورزش است (پیمانفر، ۱۳۹۵). از این رو، ورزش می‌تواند درحیطه دیپلماسی عمومی مفید و سودمند باشد و باعث مبادلات فرهنگی و ارتباطات عمومی بین مسئولان شود. یکی از نقش‌های مهم ورزش در روابط بین الملل، نقش دیپلماسی عمومی است. بنابراین، ورزش فعالیتی برای همکاری و تعامل بین‌المللی است (پامنت^۳، ۲۰۱۹). دیپلماسی بین‌المللی به طور سنتی دیپلماسی رسمی تعامل بین کشورها بین دو یا چند ملت تعریف شده است که به منظور توسعه راه‌حل‌های دیپلماتیک برای حل مشکلات بین‌المللی است. در دیپلماسی عمومی و روابط عمومی، از ورزش به طور گسترده‌ای به عنوان یک روش برای شروع روابط دیپلماتیک استفاده می‌شود (یالدریم^۴، ۲۰۱۸). با توجه به نقش ورزش به عنوان یک زبان مشترک و فرهنگ متقابل برای ایجاد ارتباطی صلح آمیز و پایدار میان ملت‌ها، از آن به عنوان یکی از استفاده‌های مهم در روابط بین‌الملل بکار گرفته شده است. یکی از کارکرد های مهم در استفاده از ورزش، پیشبرد سیاست‌های یک کشور در جهان است که می‌تواند با به دست آوردن جایگاه و کرسی‌های مهم ورزشی در مجامع بین‌المللی، بهتر بروز و ظهور پیدا کند (مورای^۵، ۲۰۱۸). رابطه بین ورزش و سیاست یکی از مؤثرترین و فراگیرترین نمونه‌های اثرگذاری جامعه بر ورزش است. در تحقیقات صورت گرفته قاسمی و همکاران (۱۳۹۷) مطرح کردند که برای توسعه روابط بین الملل به برنامه ریزی برای کسب کرسی‌های مؤثر بین‌المللی در ورزش نیاز است. زرگر (۱۳۹۴) نیز اذعان داشت که ورزش می‌تواند برای تقویت روابط، کمک و حمایت از صلح و بهبود

1. Felipe et al.
2. Adesina
3. Pamment
4. Yaldirim
5. Moray

روابط بین المللی موثر باشد. شریعتی و گودرزی (۱۳۹۶)، باقری و همکاران (۱۳۹۵) خبیری (۱۳۹۳) اخوان (۱۳۷۸) نیز به اهمیت جایگاه ورزش در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی و همچنین ابعاد شکل دهنده دیپلماسی ورزشی در توسعه روابط بین الملل پرداختند. همچنین بویاسیگلو و اوگاز (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود به نقش ورزش در روابط بین الملل پرداختند و بیان کردند که ورزش به طور مستقیم در حال تبدیل شدن به یک ابزار به رسمیت شناخته شده مهم در رابطه‌های بین المللی به یک روش مثبت می‌باشد. ایسای^۲ (۲۰۱۸) در پژوهش خود به بررسی ورزش و روابط بین الملل پرداخت و بیان کرد که ورزش می‌تواند به عنوان یک ابزار دیپلماسی، ما بین کشورها و به عنوان ابزار تبلیغاتی برای گسترش ایدئولوژی به کار گرفته شود و باعث ترویج صلح در روابط بین الملل می‌شود. ماهانتا و دشپند (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «دیپلماسی ورزشی و ارتباط بین المللی: مطالعه موردی هند»، مطرح می‌کنند وقایع ورزشی از زمان های قدیم بخش جدایی ناپذیر از تلاش‌ها برای تقویت روابط بین کشورها بوده است. دیپلماسی ورزشی از اشتیاق جهانی به ورزش به عنوان راهی برای عبور از اختلافات زبانی و اجتماعی - فرهنگی استفاده می‌کند و مردم را به هم پیوند می‌دهد. کوبیرسکی^۳ (۲۰۱۹)، در پژوهشی بیان کرد دیپلماسی عمومی ارتقای یک کشور از طریق ارزش‌ها، قانون اساسی و فرهنگ است. فرهنگ یک عنصر اصلی در دیپلماسی عمومی است و به اشکال مختلف وجود دارد. وی بیان کرد ورزش به عنوان مؤلفه ای از یک فرهنگ شمرده می‌شود و به عنوان نوعی دیپلماسی عمومی مورد بحث قرار می‌گیرد. در ادبیات دیپلماسی عمومی، بیشتر آثار با ستانی فرهنگی جز تعداد معدودی متعلق به فرهنگ عالی هستند. ورزش قطعاً یکی از آن‌ها و نوعی فرهنگ انبوه است. ورزش بخشی از فرهنگ محلی و جهانی است. ملل دیگر را نیز شامل و مستثنی می‌کند.

پژوهش‌های انجام شده نیز اغلب از ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک سنتی و حکومت محوری و نه ابزاری واقعی برای اجرای سیاست‌های کارآمد نام برده‌اند. از آنجا که این دیپلماسی به‌تازگی مطرح گردیده و تأثیر آن بر روی جامعه جهانی و ارتباطات آن هنوز مشخص نشده است، فاصله و گسست میان دو مقوله روابط بین الملل و ورزش موانعی را برای ارزیابی ارزش بحث درباره این مفاهیم به وجود آورده است. با وجود پژوهش‌هایی که در زمینه روابط بین الملل در ورزش در حوزه های مختلف مطالعاتی انجام شده، بررسی‌های صورت گرفته مشخص می‌کند در حوزه ورزشی پژوهش‌های پراکنده‌ای به این موضوعات اختصاص یافته است. از این رو، محقق در این پژوهش به دنبال بررسی توسعه روابط بین الملل از طریق ورزش می‌باشد. در جهان امروز در دیپلماسی بین‌المللی به منظور رشد اقتصاد داخلی و مقابله با سیاست انزواء، توجه به روابط رسمی و غیررسمی نیاز بسیار ضروری است و نقش ورزش به عنوان ابزار مؤثر در توسعه روابط بین الملل بسیار مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. ضروری است که این امکان بالقوه باز در ساختار دیپلماسی عمومی و ورزشی ایران تعریف شده و برای توسعه روابط و ارتباطات بین‌المللی استفاده شود. بنابراین، سیاست بخش جدایی ناپذیر ورزش و سازمان‌های ورزشی به شمار می‌آید و نفوذ قدرت‌های شرق و غرب در ترکیب اعضای هیئت مدیره و فدراسیون‌های ورزشی بین المللی و کمیته بین المللی المپیک خود شاهدهی بر این مدعاست. در این راستا ضروری است کشورهای دنیا

1. Boyasglo & Ogaz
2. Essaye
3. Kobierecki

بخصوص کشور ایران که با حمله های زیادی در زمینه های اقتصادی، سیاسی و ... از سوی قدرت های بزرگ دنیا روبرو است، به رشد و گسترش روابط بین المللی خود از طریق ورزش توجه داشته باشد. کشور ایران در تاریخ ورزشی خود نشان داده است که در زمینه روابط بین الملل پیشینه مناسبی ندارد و همواره با مشکلات زیادی روبرو بوده است. این وضعیت نامناسب در کنار نبود پژوهشی در زمینه توسعه روابط بین الملل در ورزش انجام پژوهش حاضر را بیش از پیش ضروری می سازد. لذا پژوهشگر در این پژوهش قصد دارد به این سؤال پاسخ دهد: مدل توسعه روابط بین الملل از طریق ورزش از چه عواملی تشکیل شده است؟

روش شناسی پژوهش

روش انجام این پژوهش کیفی با رویکرد نظریه داده بنیاد (استراوس و کوربین) بود. جامعه آماری پژوهش مشتمل بر رؤسای فدراسیون های المپیک، سیاستمداران و صاحب نظران و خبرگان علمی که در امور بین الملل فعالیت داشته اند، می باشد. روش نمونه گیری به صورت نمونه گیری غیر احتمالی^۱، با انتخاب هدفمند و با حداکثر تنوع یا ناهمگونی استفاده گردید. اندازه نمونه در این پژوهش بر مبنای شاخص اشباع نظری برابر با ۱۹ نفر بود. هنگامی که اشباع نظری رخ می دهد محقق نمی تواند اطلاعات بیشتری را به موارد قبلی اضافه کند و شاهد الگوهای تکراری داده ها خواهد بود. در این وضعیت نمونه گیری خاتمه می یابد چرا که نمونه های بیشتر به بسط تحقیق و تبیین بیشتر آن کمکی نمی کنند. همچنین در این پژوهش جمع آوری اطلاعات به شکل کتابخانه ای و میدانی انجام گرفته است. برای گردآوری اطلاعات ابتدا ادبیات و پیشینه پژوهش با استفاده از کتب، مجلات، پایان نامه های مربوط، آیین نامه و اسناد مرتبط و سایت های اینترنتی مورد بررسی قرار گرفت. پس از تهیه راهنمای مصاحبه به نمونه آماری مراجعه و داده های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه های باز جمع آوری گردید.

نخستین گام در ساخت نظریه زمینه ای، انجام کدبندی باز است. کدبندی باز از نظر واحد تحلیل به صورت سطر به سطر، عبارت به عبارت، یا پاراگراف به پاراگراف یا به صورت صفحه جداگانه انجام می شود. چنانچه واحد کدبندی، سطر باشد به هر یک از سطرها یا جمله ها، مفهوم یا کدی اضافه می شود. این کدها یا مفاهیم باید بتواند حداکثر فضای مفهومی و معنای آن را اشباع کنند. در این مرحله تمام اطلاعات کدبندی می شود (کریوگر و نیومن^۲، ۲۰۰۶). در کدبندی اولیه محقق براساس واحد کدبندی، به هر واحد مورد نظر یک کد (مفهوم، نام، برچسب) اضافه می کند. مفاهیم یا کدهای بدست آمده در این مرحله، سنگ بنای مقوله های عمده بعدی و نیز اجزای اصلی نظریه زمینه ای در حال ظهور را شکل می دهد (محمدپور، ۱۳۹۲). حال که کلیه داده ها کدبندی شده و کدها یا مفاهیم اولیه متعددی ساخته شدند، مرحله دوم کدبندی باز آغاز می شود. محقق در این مرحله با متون خام کار ندارد، بلکه با مفاهیمی که تولید کرده است، سروکار دارد. هدف این مرحله از کدبندی باز که به کدبندی "متمرکز" نیز مرسوم است، تولید و استخراج مقوله های عمده است (محمدپور، ۱۳۹۲).

1. Non probability

2.. Kreuger & Neuman

لازم به ذکر است به جهت جنبه نو بودن پژوهش و محدودیت احتمالی داده‌ها، از رویکرد مثلث‌سازی^۱ استفاده شد. مثلث‌سازی به فرایند استفاده از رویکردها و منابع گوناگون جهت جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق اطلاق می‌شود (اسکینر، ادواردز و کوربت^۲، ۲۰۱۴). با توجه به استفاده از شیوۀ مثلث‌سازی (استفاده از منابع چندگانه) در این پژوهش از موارد منابع متنوع به منظور جمع‌آوری اطلاعات استفاده گردید.



شکل ۲. فرایند استفاده از رویکردها و منابع گوناگون جهت جمع‌آوری اطلاعات

علاوه بر این، در پژوهش حاضر جهت سنجش روایی از معیارهای اسکینر، ادواردز و کوربت (۲۰۱۴) استفاده شده است که در جدول ۱، به آن اشاره شده است.

جدول ۱. روش‌های اطمینان از روایی

روش‌های اطمینان از روایی	نحوه اجرا در این پژوهش
درگیری طولانی مدت	افزایش حساسیت نظری، مشارکت عملی و ارتباط با مشارکت‌کنندگان برای ارزیابی برداشت‌های محقق
مشاهده پایدار	مشارکت عملی محقق و حضور در محیط مشارکت و اکتشاف جزئیات تجارب مشارکت‌کنندگان
بازرسی مجدد مسیرکسب اطلاعات	انجام بازرسی ادواری اطلاعات و کدهای به دست آمده به جهت پیشگیری از سوگیری و اطمینان از صحت، توسط محقق و یک همکار (دانشجوی دکتری) آشنا به موضوع مورد پژوهش
چک کردن با مشارکت‌کنندگان مثلث‌سازی	بررسی اطلاعات به دست آمده به کمک گروه تحقیق و نظرسنجی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص نتایج
مقایسه مستمر	استفاده از منابع متعدد برای جمع‌آوری داده‌ها مقایسه داده‌های به دست آمده از منابع مورد بررسی با سایر منابع به صورت مستمر در تمام طول تحقیق

1. Triangulation

2. Skinner, Edwards & Corbett

برای محاسبه پایایی با روش توافق درون موضوعی دو کدگذار، از یک متخصص مدیریت ورزشی که در مراحل انجام پژوهش حضور داشته و از آگاهی مناسبی در خصوص این پژوهش برخوردار بود، درخواست شد تا به عنوان همکار در کدگذاری تحقیق شرکت کند. آموزش‌ها و تکنیک‌های لازم جهت کدگذاری به همکار تحقیق انتقال داده شد. سپس محققان به همراه همکار، به عنوان نمونه دو مورد از مصاحبه‌ها را کدگذاری کرده و درصد توافق درون موضوعی محاسبه شدند که با استفاده از فرمول زیر محاسبه گردید:

$$\text{درصد توافق درون} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

در جدول ۲، مشاهده می‌شود تعداد کل کدهای که به ثبت رسیده است معادل ۱۰۹ کد، تعداد کل توافقات بین کدها معادل ۶۰ می‌باشد. همچنین پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش معادل ۸۲ درصد است، لذا با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد می‌باشد، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید بوده و می‌توان گفت که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب می‌باشد.

جدول ۲. محاسبه پایایی

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	کدهای مورد توافق	پایایی
۱	۷	۲۲	۵۱	۰/۸۶
۲	۱۲	۲۴	۵۸	۰/۸۲
	جمع	۴۶	۱۰۹	۰/۸۴

یافته‌های پژوهش

در این بخش کدهای استخراج شده و مؤلفه‌های مربوط به هر یک از آن‌ها و درنهایت ارائه مدل توسعه روابط بین الملل از طریق ورزش انجام گرفت. به گونه‌ای که پس از تجزیه و تحلیل صورت گرفته این امکان وجود دارد تا به سؤال‌های اصلی و فرعی مطرح شده پاسخ داده شود.

در جدول ۳، نحوه کدبندی سطح اول (اولیه) و سطح دوم (متمرکز) با عنوان درک معنای ارائه مدل توسعه روابط بین الملل از طریق ورزش آمده است.

به موجب نتایج این جدول، با تحلیل متن مصاحبه‌ها و پس از مفهوم‌پردازی در مرحله کدبندی باز، ۱۰۹ مفهوم اولیه (کدهای باز)، ۱۸ کد محوری و ۵ کد گزینشی شناسایی گردید.

جدول ۳. مفاهیم، مقولات عمده و مقوله محوری هسته استخراج شده از داده‌ها

نشانگر	کد اولیه	کدبندی محوری	کدبندی اصلی
P2,p4,p18	نظارت بر عملکرد افراد حاضر در مجامع بین المللی	کرسی های بین المللی	عوامل علی
P4,p12	حمایت از نیروهای مؤثر و متخصص کارآمد		
P3,p13	توجه به الگوهای شایستگی در انتخاب و معرفی		
P3,p16	حمایت از افراد متعهد		
P3,p8,p9	جلوگیری از حضور افراد غیرمتخصص در کرسی ها		
P8,p9,p11	برخورد های سیاسی با صاحبان کرسی		
P10,p1	کمیت کرسی های بین المللی		
P2,p17,p19	کیفیت اثرگذاری کرسی های بین المللی		
P13	آشنایی افراد با فنون مذاکره		
P5,p9	آشنایی کامل با سازمان هدف		
P7, P9	آشنایی با قوانین و مقررات های بین المللی	سیاست گذاری و برنامه ریزی	
P1,P2	آشنایی با تشریفات و پروتکل های بین المللی		
P3,p9	سیاست گذاری کلان در ارتباطات و دیپلماسی ورزش		
P8,p12	عقد تفاهم نامه های بین المللی		
P10,p14	داشتن سیاست واحد		
P2	داشتن برنامه استراتژیک جامع و مانع		
P13,p14	داشتن تفکر استراتژیک		
P7,p14	هماهنگی در اجرای برخی قوانین بین المللی و داخلی		
P4,p16	هماهنگی سازمان ها و نهاد های مؤثر ورزشی داخلی با یکدیگر		
P1,p14	ساختار دولتی ورزش ایران		

	برخورد های شخصی	P1, P4
	برخورد های سلیقه ای	P10, P13
	کمبته روابط بین الملل در سازمان های ورزشی	P10
	میزبانی مسابقات و رویداد های بین المللی بزرگ ورزشی	P1,p14
	معرفی چهره ها و قهرمانان شاخص ورزش	P1,p16
	حضور حداکثری در رقابت های معتبر بین المللی	P7,p14
جایگاه ورزش کشور در جهان	حضور بازیکنان و مربیان خارجی در کشور	P4,p12
	حضور بازیکنان ایرانی در خارج از کشور	P1,p13
	جذب اسپانسر های بین المللی	P1, P4
	برگزاری دوره های بین المللی	P13,p2,p1
	حضور افراد به عنوان مدرس بین المللی در دوره های خارج از کشور	P8,p9,p11
کارکرد سیاسی ورزش	ورزش و روابط بین کشورها	P13,p14
	ورزش و توسعه سیاسی	P3,p19,p13
	ورزش به عنوان ابزار ضد جنگ	P7,p15
کارکرد اقتصادی ورزش	ورزش و توسعه گردشگری بین المللی	P3.p4
	ورزش و توسعه اقتصادی	P9,p13
	ورزش و ایجاد اشتغال	P1,p8,p14
	ورزش و تبادل فرهنگی	P3,p10,p14
کارکرد اجتماعی ورزش	ورزش و ترویج صلح و دوستی	P1,p17
	ورزش و توسعه اجتماعی	P2,p9,p12
	ورزش و هویت ملی	P1,p18
	ورزش به عنوان ابزار قدرت	P1,p14

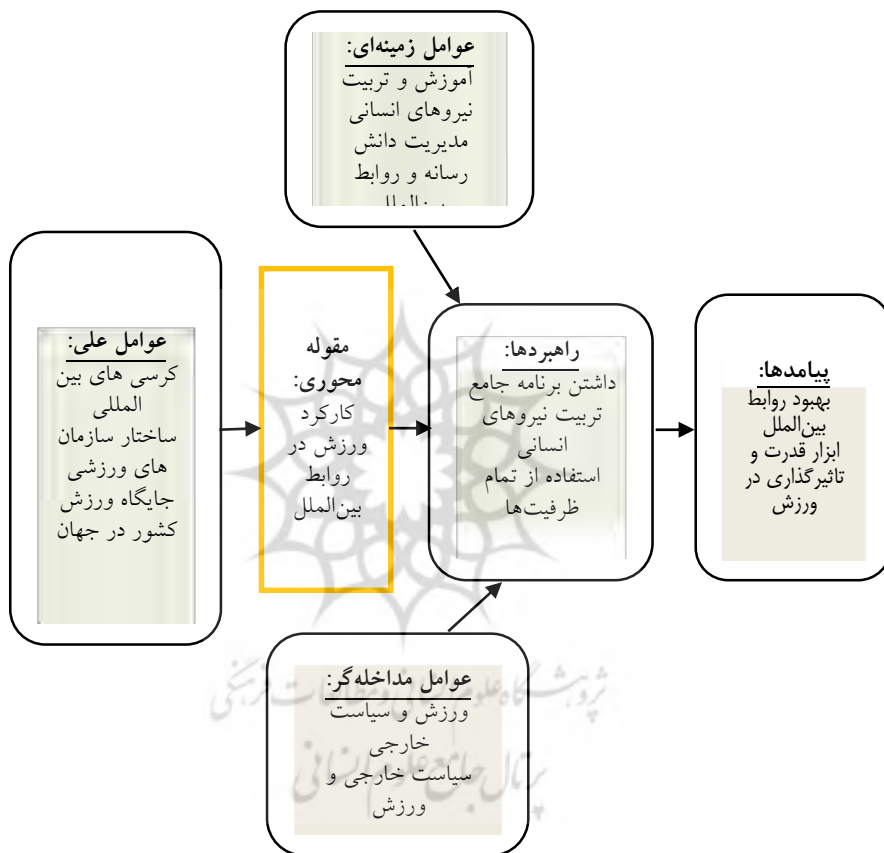
پدیده های محوری

توسعه روابط بین الملل	ورزش به عنوان صدای یک ملت	P3,p17,p12
	ورزش به عنوان ابزار دیپلماتیک	P5,p16
آموزش و تربیت نیروی انسانی	آموزش قوانین و پروتکل های بین المللی	P1, P4
	آموزش اصول و مبانی روابط بین الملل	P10, P13
	جذب نیروی انسانی متخصص	P,17P10
	آموزش فرهنگ کشورهای مختلف	P1,p16
	تربیت افراد متعهد	P1,p9
	آموزش و توجه به نخبه های ورزشی	P7,p16
	آموزش زبان های بین المللی	P4,p6,p12
	تربیت نیروی متخصص روابط بین الملل در ورزش	P10, P24
	آموزش حقوق بین الملل در ورزش	P2,p9
	آموزش ساختار ساختار سازمان های بین المللی در ورزش	P2,p14
عوامل زمینه ای	محدود بودن اطلاعات و کارکرد مدیران به داخل	P2,p14.p15
	عدم شناخت موقعیت و وضعیت در روابط بین الملل	P7,p15
	آموزش ورزشکاران	P4,p9.p14
	آگاهی مدیران ورزشی به وضعیت اقتصادی و سیاسی سایر کشورها	P6,p18,p13
مدیریت دانش	آگاهی مدیران از قوانین و قواعد بین المللی	P19
	ایجاد و تسهیل دانش در حوزه روابط بین الملل	P14,p15
	تهیه بانک های اطلاعاتی از وضعیت کشورها	P3,p7,p13
	ورزش به عنوان ابزار تبلیغاتی کشور	P1,p14

عوامل مداخله‌گر	ورزش و روابط بین‌الملل	آموزش سواد رسانه ای به مدیران و ورزشکاران	P1, P4
	ورزش و سیاست خارجی	ورزش به عنوان ابزار سیاسی	P8,P12
		ورزش و بهتر شدن روابط سیاسی	P4,12,P16
		ورزش به عنوان زیان مشترک	P2,P18,P16
	سیاست خارجی و ورزش	سیاست گذاری ارتباطات بین‌الملل	P4,P7,P16
		تشکیل اداره کل ورزش در وزارت امور خارجه	P17,P16
		اثر سیاست بر ورزش	P2,P15
		تبعیت از سیاست های کشور	P1,P6,P13
		اثر روابط سیاسی در ورزش	P11,P14
		اثر تحریم ها بر ورزش	P10,P16
میزان تعامل با نظام بین‌الملل		P12, P19	
راهبردها	دانش علمی	P10	
	شناخت معاهدات ورزشی بین‌المللی	P1,P19,P16	
	دانش دیپلماسی ورزش	P7,P12	
	تربیت نیروی انسانی	P16	
	دانش تجربی	P4,P14	
	فن بیان مناسب	P1,P12,P15	
	داشتن مهارت سیاسی برای مدیران	P4,P9,P13	
	تسلط به زبان انگلیسی	P17,P16	
	استفاده از ورزش به عنوان یک راهبرد اولویت‌دار	P5,P13	
	تعیین چشم‌انداز	P7, P14, P15	
داشتن برنامه جامع	تعیین فلسفه وجودی ورزش	P3,P7	
	شناخت پیشران‌های اصلی حوزه ورزش	P3, P12	
	تدوین برنامه مبتنی بر سیاست‌های ملی کشور	P2, P4, P12	
	هدف‌گذاری‌ها	P7, P9, P11, P14	

	شکل‌گیری کمیته‌های تخصصی در فدراسیون‌ها	P3, P4
	پیرامون دیپلماسی بکارگیری ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماسی	P19,P10
	حمایت مسئولین کرسی - های بین‌المللی ورزشی از سوی مسئولان	P8, P7
	استفاده از ظرفیت مشاوره - ای وزارت خارجه	P1
استفاده از تمام ظرفیت‌ها	تعیین جایگاهی برای ورزش از سوی وزارت امور خارجه	P8,P16
	پیگیری دیپلماسی از طریق نهادهای غیردولتی	P4, P11
	ایجاد یک نهاد نظارتی برای پیشبرد دیپلماسی ورزش	P8,P3
	ایجاد کمیته‌های اجرایی با هدف کسب کرسی‌های بین‌المللی	P3,P10
	توسعه روابط دیپلماتیک خروج از انزوای سیاسی	P1, 24, P5, P3
	ابزاری برای انتقال ارزش‌ها عرصه انتقال دیپلماسی فرهنگی	P14
بهبود روابط بین‌المللی	عرضه انتقال دیپلماسی فرهنگی	P7,P16
	روان‌سازی روابط سیاسی ورزش برای راهگشایی در سیاست	P1,P15
	بهبود روابط بین‌الملل توسعه روابط دیپلماتیک	P9,P11
پیامدها	خروج از انزوای سیاسی ابزاری برای انتقال ارزش‌ها	P3,P9,P14
	عرضه انتقال دیپلماسی فرهنگی	P18, P3
	روان‌سازی روابط بین‌الملل توسعه روابط دیپلماتیک	P3,P14
	خروج از انزوای سیاسی ابزاری برای انتقال ارزش‌ها	P1, P3
	عرضه انتقال دیپلماسی فرهنگی	P5,P12
	روان‌سازی روابط سیاسی ورزش برای راهگشایی در سیاست	P9,P10
	بهبود روابط بین‌الملل	P2,P7
	تأثیر گذاری ورزش ابزاری قدرت و	P18,P6
		بهبود روابط بین‌الملل

مرحله دوم کدبندی داده‌ها به کدبندی محوری مرسوم است. در این مرحله، مقوله‌ها به صورت یک شبکه با هم در ارتباط قرار می‌گیرند. همچنین این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که الگوی کدگذاری نامیده می‌شود. الگوی کدگذاری، روابط فی‌مابین شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پیامدها را نمایان می‌کند (کریوگر و نیومن، ۲۰۰۶). این فرایند در نمودار ۱، نمایان شده است.



شکل ۲. مدل نهایی توسعه روابط بین الملل از طریق ورزش

بحث و نتیجه‌گیری

منظور از عوامل علی، مقوله‌هایی مربوط به شرایطی است که بر مقوله محوری که همان سواد رسانه‌ای ورزشی در بین مخاطبان این حوزه است، تأثیر می‌گذارد (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). به موجب کدبندی محوری مقوله‌های حاصل شده برای این لایه شامل سه کرسی‌های بین‌المللی، ساختار سازمان‌های ورزشی و جایگاه ورزش کشور در جهان است. نتایج نشان داد که از جمله

عوامل اصلی شناسایی شده مؤثر بر توسعه روابط بین‌الملل از طریق ورزش عامل ساختار ورزش بود که خود شامل ۴ مؤلفه فرعی کرسی‌های بین‌المللی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، ساختار سازمان‌های ورزشی و عامل جایگاه ورزش کشور در جهان می‌گردد. نتایج حاصل از پژوهش در این بخش با نتایج پژوهش قاسمی و همکاران (۱۳۹۷)، صباغ نوین (۱۳۹۴) همخوان و همسو می‌باشد. نتایج پژوهش قاسمی (۱۳۸۶) نشان داد که ساختار فدراسیون ملی دانشجویی به انجمن و کمیته‌هایی از جمله واحد بین‌الملل متناظر با ساختار فیزو نیاز دارد. در عصر حاضر یک تحول کیفی در عرصه دیپلماتیک به وقوع پیوسته است؛ تحولی که باعث جایگزینی قدرت نرم به جای قدرت سخت شده است. تحولات عرصه بین‌المللی و قدرت گرفتن بیش‌ازپیش بازیگران غیردولتی، موجب بروز تحولاتی در چگونگی عملکرد دیپلماسی شده است. چنین تغییراتی، دیپلماسی سنتی را که بر مبنای تعامل میان دولت‌ها قرار دارد، با چالش مواجه کرده است (قوام، ۱۳۸۸) و کاهش نقش انحصاری دولت‌ها را به دنبال داشته است. کاهش زمین‌ه ورود کنشگران غیردولتی را برای ورود به روابط بین‌الملل و دیپلماسی کشورها فراهم کرده است. هادیان و احدی (۱۳۸۸) بیان می‌کنند پررنگ شدن نقش بازیگران غیردولتی و افکار عمومی سبب شکل‌گیری اشکال جدیدی از دیپلماسی در کنار دیپلماسی سنتی شده است. مورای (۲۰۱۸) بیان می‌کند ورزش به عنوان یک ابزار دیپلماتیک می‌تواند انزوا را کاهش و ثبات و امنیت را برای کشور به ارمغان آورد. از جمله عوامل فرعی تشکیل دهنده مؤلفه ساختار ورزش، کسب کرسی‌های بین‌الملل بود. عدم توفیق فدراسیون‌ها در کسب جایگاه‌های بین‌المللی به یک معضل اساسی در ورزش کشور تبدیل شده است. باید اذعان کرد که نبود کرسی‌های مهم و ثابت در فدراسیون جهانی و نداشتن روابط بین‌الملل ورزشی پیامدهای مهمی را به همراه دارد که از جمله آنان می‌توان به حذف تیم‌های ورزشی ایرانی در مسابقات و رویدادهای ورزشی اشاره کرد. در نتیجه می‌توان بیان کرد یکی از گزینه‌های رفع مشکلات موجود و بیان شده کسب و احراز کرسی‌های مؤثر بین‌المللی، داشتن روابط مؤثر بین‌المللی می‌باشد. عامل دیگر شامل کسب کرسی‌های بین‌المللی در ورزش، داشتن نقشه راه برای راهبران دیپلماسی در عرصه بین‌المللی، جریان‌سازی، ظرفیت‌های اولیه برای مسئولان روابط بین‌الملل، بسترسازی، تدوین برنامه راهبردی، سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای قدرت نرم و آگاهی بین‌المللی بود. در حال حاضر تحولی شگرف در عرصه دیپلماسی رخ داده است. تحولی که باعث شده است اهمیت قدرت نرم افزایش یافته و جایگزین قدرت سخت شود. وجهه و اعتبار کشورها همچنین نیروهای مسلح کشورها نوعی قدرت نرم محسوب می‌شود. اساساً کارکرد دیپلماسی ورزشی آن است که با در نظر گرفتن ارزش‌های ملی کشورها، موجب جذب گروه‌های مردمی، بهبود وجهه و اعتبار کشورها را فراهم می‌کند. وجه یا اعتبار بین‌المللی را می‌توان از مؤلفه‌های اصلی منافع ملی کشورها برشمرد. دولت‌ها می‌کوشند از راه‌های مختلف در جامعه بین‌المللی جایگاهی ویژه برای خود ایجاد کرده و به آن‌ها به عنوان کشورهایی قابل احترام نگریسته شود. به هر میزان دولتی بتواند در مسائلی مانند، توسعه مطلوب، روابط خوب با دولت‌های دیگر، خنثی‌سازی تهدیدات خارجی، فناوری‌های پیشرفته، اقتصاد شکوفا، کاهش انزوا و ... خود را موفق نشان دهد اعتبار و وجه مناسب تری در سطح بین‌الملل خواهد داشت. همچنین این یافته با نتایج تحقیق گودرزی و همکاران (۱۳۹۸) همخوان است. به علت اینکه آموزش مدیران سیاسی - ورزشی کشور با اصول اولیه تعاملات بین‌المللی در سطح جهانی، تدوین و اجرای یک برنامه جامع و علمی در جهت گسترش و ارتقای دیپلماسی ورزشی، تعریف و تبیین مفهوم دیپلماسی ورزشی به دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فعال در حوزه دیپلماسی

عمومی از جمله راهکارهای مهم در توانمندسازی و تقویت دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نخبگان مشارکت‌کننده در این پژوهش بود. به موجب اینکه در این پژوهش به روشنی اشاره به این شده است که یکی از چالش‌های پیش‌روی دیپلماسی ورزشی نزد باشگاه‌های ورزشی عدم برنامه‌ریزی می‌باشد. در مقابل این پژوهش نشان داد که یکی از پارامترهای اثرگذار بر دیپلماسی ورزشی در عرصه بین‌الملل تدوین برنامه راهبردی است. این در حالی است که نتایج پژوهش هوشمنددی و بابایی (۱۳۹۴) که با محوریت دیپلماسی ورزش، سیاست‌ها و ایجاد صلح انجام شده بود با یافته‌های این پژوهش ناهمخوان است. به دلیل اینکه در این پژوهش مشخص گردید که از طریق چهار ساز و کار می‌توان دیپلماسی ورزشی را ایجاد کرد که شامل تصویرسازی، ایجاد یک هدف سیاسی برای گفتگو، اعتمادسازی و آشتی، اتحاد و مبارزه با تبعیض نژادی بود. همچنین نتیجه پژوهش بابایی و همکاران (۱۳۹۴) که اشاره به استفاده از راهبرد نفوذ، جذب و اقناع در ورزش داشت، با یافته‌های این پژوهش در تضاد است. در نهایت مشخص گردید که نتایج پژوهش فولرتون و همکاران (۲۰۱۸) که تناسب منابع را با راهبردهای سیاسی هر کشور مطرح ساخته بود، با یافته‌های این پژوهش ناهمخوان است. چرایی این ناهمخوانی را می‌توان به تفاوت‌های زمینه‌ای این پژوهش و پژوهش نام‌برده منتصب دانست. چرا که در این دو پژوهش جوامع مختلفی بررسی شده و اینکه سطح دیپلماسی، فرهنگ دیپلماسی، وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی این جوامع احتمال می‌رود متفاوت از هم باشد.

منظور از عوامل زمینه‌ای، شرایط خاصی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). به موجب کدبندی محوری مقوله‌های حاصل شده برای این لایه شامل سه مقوله آموزش و تربیت نیروهای انسانی، مدیریت دانش و رسانه و روابط بین الملل است. از جمله عوامل اصلی دیگر شناسایی شده در این پژوهش عوامل مدیریتی بود که متشکل از سه عامل فرعی آموزش و تربیت نیروی انسانی، مدیریت دانش و رسانه و روابط بین‌الملل بود. نتایج همسو با پیمان فر (۱۳۹۵) و شریعتی فیض آبادی (۱۳۹۴) می‌باشد. بر این اساس می‌توان بیان کرد که استفاده از مدیریت راهبردی در این دوران بحران و دوره تغییرات سریع محیط درونی و بیرونی سازمان یکی از راهکارهای اساسی می‌باشد. در محیط سراسر متغیر بین‌المللی، ورزش چگونه می‌تواند برای کشور نقش دیپلماسی ورزشی را به‌گونه‌ای بازی کند که سیاست‌ها و اهداف ملی آن‌ها تحقق یابد؟ صاحب‌نظران بر این باورند که مدیریت راهبردی، مدیریت خاص دوران بحران و دوره تغییرات سریع محیط درونی و بیرونی سازمان است. مدیریت در چنین وضع دشوار و ناپایداری بیش از هر چیز به تفکری خلاق، ذهنیتی گشوده برای کسب اطلاعات، شامه‌ای تیز برای دریافت علائم خطر، بینشی آینده‌نگر و برنامه‌ریز و برخوردی واقع‌گرا و منطقی نیاز دارد. در نتیجه بر این اساس مدیریت اثربخش سازمان‌های ورزشی در حوزه روابط بین‌الملل در گرو خلق و بهره‌گیری از الگوهای راهبردی در این حوزه است. الگوی راهبردی که جنبه‌های متفاوت این پدیده را در بر دارد و ضمن اینکه متأثر از ارزش‌های جامعه است به دنبال تدوین نقشه راه توسعه آن می‌باشد. یکی از عوامل فرعی شناسایی شده در این بخش نیز آموزش و تربیت نیروی انسانی است و از جمله عواملی بود که از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها می‌تواند بر پیشبرد توسعه روابط بین‌الملل کمک کننده باشد. نتایج همسو با یافته پیمان فر (۱۳۹۵) می‌باشد. پیمان فر (۱۳۹۵) نیز در بخشی از یافته‌های پژوهش خود هم‌راستا با این نتایج، ضعف مدیران ورزشی در آشنایی با تشریفات و پروتکل بین‌المللی، ناتوانی و فعال نبودن مدیران ورزشی زن در سازمان‌های بین‌المللی ورزشی، ضعف منابع مالی و انسانی در

حوزه دیپلماسی ورزش کشور، تغییرات پی در پی مدیران در سطح عالی ورزش کشور، ناتوانی بسیاری از مدیران ورزشی برای فعالیت‌های بین‌المللی (کسب کرسی‌ها و ...) را حاکی از ضعف‌های دستگاه دیپلماسی کشور در این حوزه بر می‌شمارد. بنابراین، می‌توان بیان کرد منابع انسانی به‌طور اعم و مدیران به‌طور اخص نقش پررنگی در توسعه سازمان‌ها و نهادها دارند و توسعه دیپلماسی ورزشی کشور نیز از این قاعده مستثنا نیست، لذا جذب و توانمندسازی منابع انسانی ورزش کشور با رویکرد ترفیع دیپلماسی ورزشی می‌تواند از جمله مواردی باشد که بتواند کمک کننده کشور در این زمینه باشد. بنابراین، برای پیشبرد اهداف در جهت توسعه روابط می‌توان به جذب و توانمندسازی مدیران و نیروی انسانی در راستای کسب کرسی‌های بین‌المللی، میزبانی رویدادهای بین‌المللی و ... اشاره کرد که این مهم با توجه به قوت‌ها و فرصت‌های موجود دور از دسترس نیست. از جمله دیگر عوامل مؤثر بر توسعه روابط بین‌الملل شناسایی شده در این بخش می‌توان به عامل رسانه و روابط بین‌الملل اشاره نمود که شامل مواردی همچون ورزش به عنوان ابزار تبلیغاتی کشور و آموزش سواد رسانه‌ای به مدیران و ورزشکاران می‌شد که با پژوهش‌های خبیری (۱۳۹۳) و شریعتی فیض‌آبادی (۱۳۹۴) همخوان و همسو می‌باشد. برگس گارد و همکاران^۱ (۲۰۰۷) بیان داشتند ورزش یک ابزار فرهنگی قوی برای ملت‌های توسعه یافته است که توسط رسانه‌ها و موفقیت‌های ملی توجه‌ها را به خود جلب می‌کند. جهانی شدن و انقلابات ارتباطاتی و چگونگی توصیف یک کشور در رسانه‌ها را می‌توان از جمله مؤلفه‌ها مهم و تأثیرگذار در توسعه روابط دیپلماتیک دانست. تمایل افکار عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی از یک سو و انعکاس گسترده وقایع ورزشی در رسانه‌های ارتباطی جمعی جهانی از سوی دیگر باعث شده است تا قلمرو ورزش و سیاست روز به روز به هم نزدیک‌تر شوند. ازین رو، می‌توان بیان کرد مدیریت رسانه‌های ورزشی در دیپلماسی عمومی برخلاف دیپلماسی سنتی که همواره پشت درهای بسته و به دور از هیاهوی رسانه‌ها برگزار می‌گردد، نقشی حیاتی در بهبود جایگاه کشورها در روابط بین‌الملل دارد. ثابت شده که دیپلماسی ورزش یک راه حل مناسب است. در این پژوهش نویسنده تلاش می‌کند تا یک فرضیه را درباره میراث بعدی دیپلماسی پینگ پنگ در سیاست خارجی آمریکا بررسی کند. این مطالعه به منظور تعیین دلایل نیاز به استفاده از ورزش به منظور ایجاد روابط نزدیک تر بین بازیگران متخاصم روابط بین‌الملل انجام شد. نتایج این پژوهش نشان داد دیپلماسی ورزش توانایی بهبود ارتباطات کشورهای دارای تنش سیاسی را دارد. بنابراین، با اذعان به نقطه نظرات متخصصین ورزشی که با آنان در این پژوهش مصاحبه صورت گرفته در جهت توسعه تعاملات بین سازمانی نیاز به روابط تعریف شده مستحکم بین دولت و همچنین بین تربیت بدنی نیروهای مسلح با وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون‌های ورزشی و دستگاه‌های دیپلماسی کشور به‌ویژه در برگزاری رویدادهای ورزشی می‌باشد.

منظور از عوامل مداخله‌گر، شرایطی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۲۶). به موجب کدبندی محوری مقوله‌های حاصل شده برای این لایه شامل دو ورزش و سیاست خارجی و سیاست خارجی و ورزش می‌باشد. یکی دیگر از عوامل مؤثر بر توسعه روابط بین‌الملل ورزش عامل اصلی سیاست خارجی بود که این عامل اصلی از دو مؤلفه فرعی ورزش و سیاست خارجی و مؤلفه سیاست خارجی و ورزش تشکیل شده بود و شامل مفاهیمی همچون ورزش به عنوان ابزار سیاسی، ورزش و بهتر شدن روابط سیاسی، اثر سیاست بر ورزش، اثر تحریم‌ها

بر ورزش و میزان تعامل با نظام بین الملل می‌شد. نتایج به دست آمده در این پژوهش با نتایج پژوهش‌های دنوس (۲۰۱۴)، لین، لی و نای (۲۰۰۸)، شریعتی (۱۳۹۴) و ملکوتیان (۱۳۸۸) همخوان می‌باشد. دنوس^۱ (۲۰۱۴) بیان می‌کند که ورزش برای قرن‌ها یک بخش مهمی از جامعه بوده است و روابط بین ورزش و سیاست و به‌ویژه دیپلماسی قوی و به معنای واقعی کلمه باستانی است. لین، لی و نای^۲ (۲۰۰۸) نیز بیان می‌کنند که ورزش و سیاست به‌طور جدا نیافتنی درهم‌تنیده است و اغلب برای اثبات برتری سیاسی اقتصادی و اجتماعی از دیگر ملت‌ها به کار می‌رود. چرا که اگر چه علم سیاست سنتی، سیاست را در تعامل با قدرت، حکومت و احزاب سیاسی تعریف می‌کرد، اما امروز دیگر نمی‌توان به این عوامل اکتفا کرد. در این میان نقش عرصه‌های جدیدی همچون مسائل زیست‌محیطی، مفاهیم نوین حقوق بشر، رسانه‌ها و فضای مجازی، زنان و اخیراً ورزش را نمی‌توان نادیده گرفت. استفاده سیاست از ورزش می‌تواند به توقف جنگ‌های نظامی بین دولت‌های شهر یونان، قبل از برگزاری المپیک باستان به منظور برگزاری بازی‌ها در صلح کامل اشاره نمود (فاضلی، ۱۳۹۱). در نتیجه در حال حاضر نه تنها سیاست به عنوان یکی از بخش‌های مهم ورزش خود را نشان داده است، بلکه فراتر از آن روابط تعاملی میان ورزش و سیاست برقرار شده است. دستگاه‌های دیپلماتیک و سیاسی کشورها برای توسعه روابط بین الملل و همچنین بهبود افکار عمومی برای توسعه سیاست‌ها و اشاعه فرهنگ خود، از ورزش استفاده می‌کنند. در این مورد دستگاه سیاست خارجی به ورزش جهت می‌دهد و می‌خواهد در جهت تأمین اهداف خود، مواردی را لحاظ کند. در این راستا می‌توان بیان کرد از یک طرف سیاست از طریق تدوین و اجرای راهبرد ورزشی بر ورزش تأثیر دارد و از طرف دیگر ورزش از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی بر سیاست تأثیر می‌نهد. اگرچه در ادبیات سیاسی، دیپلماسی ورزشی به‌عنوان ابزاری در دست سیاستمداران بوده، اما امروزه اکثر متخصصان حوزه دیپلماسی و روابط بین‌الملل ورزش بر این باورند که ورزش خود می‌تواند به عنوان مسیری مرتبط با روابط سیاسی نقشی متمایز و مستقل در توسعه روابط دیپلماتیک ایفا نماید. همچنین در این مورد می‌توان به ارتباطات بین دو ملت و دولت و توسعه سیاست خارجی آن‌ها مثل دیپلماسی پینگ‌پنگ برای رابطه آمریکا و چین و یا مسابقات کشتی و فوتبالی که در زمان دولت خاتمی بین ایران و آمریکا برگزار شد نمونه‌هایی از استفاده ورزش برای توسعه روابط سیاسی است.

منظور از راهبردها، کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی است که از پدیده محوری منتج می‌شود (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۲۶). نشانگرهای راهبردها در این پژوهش مشمول داشتن برنامه جامع، تربیت نیروی انسانی و استفاده از تمام ظرفیت‌ها می‌باشد. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی از دیگر عوامل فرعی مؤثر بر ساختار ورزش شناخته شد. نتایج همسو با یافته‌های ملکوتیان (۱۳۸۸) و پیمان‌فر (۱۳۹۵) می‌باشد. به طوری که پیمان‌فر (۱۳۹۵) در پژوهش خود یکی از عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی را سیاست‌ها و برنامه‌ها و مفاهیمی همچون ارزش‌های جهانی، ساختار، چشم‌انداز و سیاست‌گذاری معرفی کرد. ملکوتیان (۱۳۸۸) این‌گونه بیان می‌کند که ورزش از طریق تحکیم ارزش‌های انسانی و همبستگی ملی و افزایش مشارکت سیاسی بر سیاست تأثیر می‌نهد و البته خود نیز به‌ویژه در زمان برگزاری ورزش‌های بین‌المللی مورد استفاده قدرت‌های جهانی واقع می‌گردد. در این بین اصل بر برنامه‌ریزی صحیح است که می‌تواند حرکت این پدیده را منظم‌تر و با سرعت

1. Deos

2. Lin, Lee&Nai

بیشتر دنبال کند، بخصوص اگر در این بین چشم‌انداز مطلوب تعیین شده باشد. به طور خلاصه می‌توان بیان کرد که برنامه ریزی و سیاست گذاری مطلوب و صحیح می‌تواند حرکت این پدیده ورزش را منظم‌تر و با سرعت بیشتر دنبال کند، بخصوص اگر در این بین چشم‌انداز مطلوب تعیین شده باشد. دیگر عامل شناسایی شده در این بخش ساختار سازمان‌های ورزشی و عامل جایگاه ورزش کشور در جهان بود که خود از مفاهیمی همچون هماهنگی سازمان‌ها و نهادهای مؤثر ورزشی داخلی با یکدیگر، ساختار دولتی ورزش ایران و برخوردهای شخصی و سلیقه‌ای و میزبانی مسابقات و رویدادهای بین‌المللی بزرگ ورزشی و حضور حداکثری در رقابت‌های معتبر بین‌المللی تشکیل شده بود. یکی از مهم‌ترین موارد که بیشتر افراد مصاحبه شونده نیز در توسعه روابط بین‌الملل به آن اشاره داشتند کسب میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی و نقش مؤثر آن در این زمینه بود که بیشتر کشورهای قدرتمند و دارای نفوذ سیاسی به دنبال کسب این‌گونه میزبانی‌ها و استفاده از مزایا و فواید آن می‌باشند. نتایج همسو با یافته شریعتی فیض آبادی (۱۳۹۴) می‌باشد که بیان کرد ایران از دیدگاه دیپلماسی ورزش هنوز الگوی مناسب و درخوری را پیدا نکرده است که به اهمیت جایگاه ورزش و ساختار ورزشی اشاره کرده است، لذا می‌توان با هماهنگی سازمان‌ها و نهادهای مؤثر ورزشی داخلی با یکدیگر، ساختار دولتی ورزش ایران و برخوردهای شخصی و سلیقه‌ای و میزبانی مسابقات و رویدادهای بین‌المللی بزرگ ورزشی و حضور حداکثری در رقابت‌های معتبر بین‌المللی در این زمینه گام مهمی را برداشت؛ به طوری که میزبانی رویدادهای بین‌المللی در این راستا می‌تواند علاوه بر مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی، می‌تواند برای غلبه بر تهدیدهایی چون وجود تعارضات منطقه‌ای بین ایران و برخی کشورهای منطقه‌ای و همچنین جنگ نرم برخی کشورهای غربی علیه ایران راهگشا باشد. همچنین بهره‌مندی از ظرفیت دیپلماسی ورزشی در عرصه بین‌الملل در گروه تدوین برنامه راهبردی است و تا زمانی که برای این منظور برنامه‌ای جامع و مانع تدوین و طرح‌ریزی نشود، نمی‌توان انتظار آن را داشت که سیاست‌های تعیین شده در این حوزه به درستی اجرا شود. براساس اجماع نظر مصاحبه‌شوندگان در تدوین برنامه راهبردی لازم است به استفاده از ورزش به عنوان یک راهبرد اولویت‌دار، تعیین چشم‌انداز، تعیین فلسفه وجودی ورزش، شناخت پیشران‌های اصلی حوزه ورزش، تدوین برنامه مبتنی بر سیاست‌های ملی کشور و هدف‌گذاری تأکید و تمرکز شود. در مقابل تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد علاوه بر تأکید بر شاخص مذکور باید به سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای قدرت نرم هم توجه شود. سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای قدرت نرم به این معنا که بودجه کافی ویژه کسب کرسی‌های مؤثر در سازمان‌های بین‌المللی، اعتبارات ارزی مناسب برای هزینه در مجامع بین‌المللی ورزشی تخصیص یابد و در ورزش برای برگزاری رویدادهای ورزشی مهم هزینه شود.

منظور از پیامدها، خروجی حاصل از استخدام راهبردها است (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶). نشانگرهای پیامدها در این تحقیق مشمول مقوله‌های توسعه روابط بین‌الملل و ابزار قدرت و تاثیرگذاری در ورزش می‌باشد. امروزه نتایج پژوهش‌های متعدد، کارکرد ورزش را به نوعی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه روابط بین‌المللی نشان داده است. براساس یافته‌های پژوهش عامل اصلی مؤثر بر توسعه روابط بین‌الملل از طریق ورزش که در مدل به عنوان پدیده محوری در نظر گرفته شد، عامل کارکرد ورزش بود که از ۴ عامل فرعی کارکرد سیاسی ورزش، کارکرد اقتصادی ورزش، کارکرد اجتماعی ورزش و عامل توسعه روابط بین‌الملل تشکیل شده بود. نتایج همسو با یافته اندرسون (۲۰۱۷) می‌باشد. در این راستا اکثر پژوهشگران این حوزه

معتقدند، ورزش به عنوان ابزاری برای سیاست مداران مطرح است تا به وسیله آن بتوانند اهداف خود را تحقق بخشند؛ به طوری که برخی از کشورهای در حال توسعه مانند برزیل، هند، چین و آفریقای جنوبی برای کسب رویدادهای بزرگ ورزشی در کنار تصاحب کرسی‌ها و صندلی‌های بین‌المللی به عنوان یکی از منابع قدرت غیرملموس آن‌ها در حال سرمایه‌گذاری هستند و از ورزش به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف خود در عرصه بین‌الملل و تغییر ماهیت نظامی روابط خود استفاده می‌نمایند، لذا واضح است که کشورهای قدرتمند در عرصه اقتصاد به خوبی از ورزش و اهرم دیپلماسی و روابط بین‌الملل ورزش به عنوان یک برنامه هدفمند، طولانی مدت و کاملاً اجرایی در توسعه روابط بین‌الملل خود با سایر کشورها استفاده می‌نمایند. به گفته نلسون ماندلا "ورزش قدرت تغییر جهان را دارد"، این گفته نشان از آن دارد که کارکرد ورزش فقط در میدان ورزش نیست. در واقع، دیپلماسی ورزش چیزهای مختلفی در حوزه‌های متفاوت در سراسر جهان معنی می‌دهد که تأثیرش از جهانی شدن در حال افزایش است (جکسون و هایگ، ۲۰۰۸). کارکرد سیاسی ورزش اولین عامل فرعی شناسایی شده در بخش کارکردهای ورزش بود. یافته‌های پژوهش در این بخش با نتایج تحقیقات کیونگ^۱ (۲۰۰۵)، مرکل^۲ (۲۰۰۸)، ساهین و همکاران^۳ (۲۰۱۰)، رابرتسون^۴ (۲۰۱۳)، آناستاسوسکی^۵ (۲۰۱۳) و حمزه لو (۱۳۹۳) همسو و مطابق است. نتایج حاصل از یافته‌های بخش کیفی در این زمینه نشان می‌دهد مفاهیم ورزش و روابط بین‌کشورها، ورزش و توسعه سیاسی و ورزش به عنوان ابزار صلح مهم‌ترین اثرات توسعه ورزش بر بعد سیاسی جهانی شدن از دیدگاه پاسخ‌دهندگان بود. حوادث و وقایع دنیای حاضر نشان می‌دهند که امروزه ورزش به‌طور اجتناب‌ناپذیری با سیاست پیوند خورده است. در این راستا می‌توان بیان کرد ورزش، یکی از ملزومات اساسی زندگی اجتماعی امروز و از عرصه‌های بسیار مهمی است که حکومت‌ها، افراد و سازمان‌های بین‌المللی با آگاهی کامل از ابعاد سیاسی - اجتماعی آن، همواره تمایل داشته‌اند تا از آن برای دستیابی به اهداف موردنظر خود بهره‌برداری کنند. تمایل افکار عمومی جهان به کسب اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادهای ورزشی از یکسو و انعکاس گسترده وقایع ورزشی از طریق رسانه‌های جمعی از سوی دیگر باعث شده است که قلمرو ورزش و سیاست روزبه‌روز به هم نزدیک‌تر شوند؛ به طوری که دوری عرصه ورزش از دنیای سیاست و جدایی آن از بازی‌های سیاسی، دیگر امر ساده‌ای به نظر نمی‌رسد (حمزه لو، ۱۳۹۳). در نتیجه بایستی ارتباط ورزش و سیاست و حضور افراد سیاسی در ورزش به گونه‌ای باشد که جوی سازنده و مفید برای ورزش و دور کردن ورزش از چهره بد سیاسی‌کاری (جنبه‌های منفی سیاست) و نزدیک کردن مردم و دولت‌ها از طریق سیاست‌های گفتگوی صلح‌طلبانه فراهم شود. از دیگر کارکردهای ورزش در بعد توسعه روابط بین‌الملل کارکرد اقتصادی می‌باشد. از دیگر کارکردهای ورزش در بعد توسعه روابط بین‌الملل کارکرد اقتصادی می‌باشد که از دیدگاه افراد مصاحبه‌شونده از مفاهیمی همچون ورزش و توسعه گردشگری بین‌المللی، ورزش و توسعه اقتصادی و ورزش و ایجاد اشتغال تشکیل شده بود. نتایج حاصل از این

1. Kyung
2. Merkel
3. Şahin & et al.
4. Robertson
5. Anastasovski

بخش با نتایج پژوهش‌های کریستینسن^۱ (۲۰۱۱)، و رهام و همکاران (۲۰۱۲) همسو می‌باشد. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که توسعه دیپلماسی ورزشی در گرو توسعه اقتصادی کشورها و بالعکس است. هر کشوری با میزبانی رویدادهای ورزشی می‌تواند با کسب میزبانی درصد جزئی مسائل و مشکلات اقتصادی خود را برطرف و با پیشرفت اقتصادی روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را سامان دهد (شریعی، ۱۳۹۴). یکی از مهم‌ترین جنبه‌های جهانی شدن بعد اقتصادی آن و آزادسازی بازارهای مالی و تحرک سرمایه است؛ به طوری که شروع فرآیند جهانی شدن در ابتدای آغاز آن از بعد اقتصادی و آزادی تجاری و از بین بردن موانع محدودکننده گمرکی در تجارت بین کشورها بوده است. خصوصی‌سازی ورزش و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی از مهم‌ترین ویژگی‌های ورزش امروز کشورهای توسعه‌یافته است که بار عظیمی از دوش دولت‌ها در حمایت از ورزش برداشته‌اند، لذا ضرورت دارد که کشور ما نیز زمینه استفاده از این منابع مالی و حمایتی را در دستور کار خود قرار دهد. آنچه در چالش‌ها و همچنین ضعف‌های دیپلماسی ورزش کشور در بخش کیفی به آن اشاره شد، ضعف ساختاری در حوزه دیپلماسی ورزشی است. لذا در این زمینه پیشنهاد می‌شود کارگروهی با عنوان شورای روابط بین‌الملل ورزشی متشکل از نمایندگان ارگان‌هایی همچون وزارت امور خارجه، ورزش و جوانان، وزارت علوم، آموزش و پرورش، نهادهای نظامی، کارگری تشکیل شود و به تدوین راهبردهای مربوطه و تعیین دستگاه متولی در این زمینه بپردازد.

منابع

- اخوان کاظمی، مسعود. (۱۳۹۳). «ورزش و سیاست بین المللی». المپیک. ۷. ۱ و ۲ (پیاپی ۱۳)، صص ۱۵ تا ۳۲.
- بابایی، محمد؛ سیمبر، رضا؛ سلیمانی کشایه، سجاد و رضایی، مریم. (۱۳۹۴). «تأثیر دیپلماسی ورزشی بر قدرت نرم در نظام بین الملل». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. دوره ۱۴، شماره ۲۹، صص ۱-۲۶.
- پیمان فر، محمد حسن. (۱۳۹۵) «تدوین الگوی راهبردی توسعه دیپلماسی ورزشی جمهوری اسلامی ایران». رساله برای اخذ درجه دکتری، دانشگاه خوارزمی.
- خبیری، محمد و فتحی زاده، ابوذر. (۱۳۹۸). «دیپلماسی ورزشی، ایجاب و تحدید یک مفهوم راهبردی سیاسی». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. دوره ۱۸، شماره ۴۳، صص ۱۴۲-۱۱۳.
- دانایی فرد، حسن و امامی، مجتبی. (۱۳۸۶). «تأملی بر نظریه پرداززی داده بنیاد». اندیشه مدیریت. سال ۱، شماره ۲، صص ۶۹-۹۷.
- زرگر، افشین. (۱۳۹۴). «ورزش و روابط بین الملل، جنبه های مفهومی و تئوریک». علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج. شماره ۳.
- شریعتی فیض آبادی، مهدی.، و گودرزی، محمود. (۱۳۹۴). «جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین المللی جمهوری اسلامی ایران: رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا». دوفصلنامه دانش سیاسی. سال ۱۱، شماره ۲، صص ۱۲۷-۹۵.
- شریعتی، مهدی و گودرزی، محمود. (۱۳۹۶) «مدل سازی ساختاری مؤلفه های دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین الملل جمهوری اسلامی ایران». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۵، شماره ۱۶، صص ۸۹-۱۰۴.
- صباغ نوین، مهناز. (۱۳۹۴) «مقایسه وضعیت روابط بین الملل فدراسیون های ملی ورزش دانشجویی». پایان نامه ارشد تربیت بدنی، دانشگاه پیام نور.
- قاسمی، حمید؛ پورکیانی، محمد و صباغ نوین، مهناز. (۱۳۹۷). «مقایسه وضعیت روابط بین الملل فدراسیون ملی ورزش دانشگاهی ایران با کشورهای منتخب». دوره ۵، شماره ۲۰.
- قاسمی، حمید. (۱۳۸۶). «بررسی نقش رسانه در توسعه ورزش کشور». رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- فاضلی، حبیب ... (۱۳۹۱). «ورزش و سیاست هویت». پژوهشنامه علوم سیاسی. ۷(۲)، صص ۱۷۴-۱۵۱.
- قوام، عبدالعلی و زرگر، افشین (۱۳۹۴)، دولت سازی، ملت سازی و نظریه روابط بین الملل؛ چارچوبی تحلیلی برای فهم و مطالعه جهان دولت-ملت ها. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱ و ۲ مراحل و رویه های علمی در روش شناسی کیفی. تهران: انتشارات جامعه شناسان
- مقصودی، مجتبی. (۱۳۹۳). «نقش ورزش در سیاست خارجی قطر: از هویت یابی تا بازیگری منطقه ای». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

- هادیان، ناصر و احدی، افسانه. (۱۳۸۸). «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی». فصلنامه روابط خارجی. (۳)۱، صص ۸۵-۱۱۹.
- ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۸). «ورزش و سیاست». فصلنامه سیاست: دانشکده حقوق و علوم سیاسی. (۲)۳۹، صص ۳۱۶-۳۰۱.
- محمداپور، احمد. (۱۳۸۸). «تحلیل داده‌های کیفی: رویه‌ها و مدل‌ها». مجله انسان شناسی. (۱۰)۲، صص ۱۲۷-۱۶۰.
- حمزه لو، یوسف. (۱۳۹۳). «بررسی اثرات توسعه ورزش بر فرآیند جهانی شدن ایران». پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی، دانشگاه حکیم سبزواری.
- Adesina, O. S. (2020). **“Foreign Policy in an Era of Digital Diplomacy”**. African Journal for the Psychological Studies of Social Issues, 19(3), 169-189.
- Boyacıoğlu, F. & Gürsel O. & Ahmet, A. (2016). **“The Role of Sports in International Relations”**. Acta Universitatis Danubius. Relationes Internationales; 9 (1). pp. 100.
- Cha, V. (2019). **“The Asian Games and Diplomacy in Asia: Korea–China–Russia”**. The International Journal of the History of Sport, 30(10), 1176-1187.
- Esherrick, C., Baker, R. E., Jackson, S. J., & Sam, M. P. (Eds.). (2017). **Case studies in sport diplomacy**. FiT Publishing, a division of the International Center for Performance Excellence, West Virginia University.
- Essays, UK. (2018). **Sports and International Relations**. Retrieved from <https://www.ukessays.com/essays/international-relations/sports-plays-a-significant-role-in-international-relations.php?vref=1>
- Felipe Canan., et al (2018). **Political Relation among the State and International Sports Organizations: The 2014 FIFA World Cup Event in Brazil.** PHYSICAL CULTURE AND SPORT. STUDIES AND RESEARCH
- Kreuger, L., & Neuman, W. L. (2006). **Social work research methods: qualitative and quantitative approaches: with Research Navigator**. Pearson/Allyn and Bacon.
- Merkel, U. (2008). **“The politics of sport diplomacy and reunification in divided Korea: One nation, two countries and three flags”**. International Review for the Sociology of Sport, 43(3), 289-311.
- Murray, S. (2018). **“Mapping the relationship between international sport and diplomacy”**. Sport in Society, 17(9), 1098-1118.
- Skinner, J., Edwards, A., & Corbett, B. (2014). **Research methods for sport management**. Routledge
- Balderim, A. (2020). **“Sport in International Relations: A case for Cross- Disciplinary Investigation”**. Issue 2. The Sport Historian
- Mahanta, Dashpond. (2019). **“Football Diplomacy, Post-Colonialism and Japan’s Quest for Normal State Status”**. Sport in Society 11 (4): 414-428.

- Kobierecki., M. (2019) “**The domestic dimension of sports diplomacy. Review of Nationalities**“. nr 9/2019 .Sports as the expression of nation issues
- Folerton, B. C., & Hausenblas, H. A. (2018). “**Exercising in public and private environments: effects on feeling states in women with social physique anxiety**”. Journal of Applied Biobehavioral Research, 11, 147–165.
- Deos, A. (2014). “**Sport and relational public diplomacy: the case of New Zealand and Rugby World Cup 2011**”. Sport in Society, 17(9), p1170-1186.
- Lin, Ch. Y., Lee, P. Ch., Nai, H. F. (2008). “**Theorizing the Role of Sport in State-Politics**”. International Journal of Sport and Exercise Science, 1(1), p23-32.
- Kristiansen, R.R. & Reimer, M.B. (2011). “**The Economic Impact Of Major Sporting Events**”. Unpublished Bachelor Thesis, Aarhus University.

